

مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
تعمیر مدارک

اسکن شد  
تاریخ: ۸۰/۱۱/۷  
توسط: [مهر]

۱۳۷۸ / ۲ / ۲۷

۵۱

تجدید حاکمیت ملی دولت‌ها با مداخله‌گرایی سازمان ملل متحد:

بعد از جنگ سرد

پایان‌نامه ارائه شده به گروه علوم سیاسی

دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد

در رشته روابط بین‌الملل

توسط:

شهرزاد ابراهیمی

دکتر عبدالعلی قوام

استاد راهنما:

اسفند ماه ۱۳۷۶

۱۳۸۰/۲

الف

۲۴۴۵۳

**برگ تائید پایان نامه**

عنوان پایان نامه: تحدید حاکمیت ملی دولت‌ها با مداخله گرایبی سازمان ملل متحد: بعد از

جنگ سرد

نام دانشجو: شهروز ابراهیمی

دوره: کارشناسی ارشد

این پایان نامه در جلسه ..... ۲۹/۳/۷۲ با نمره ۱۸ ..... و درجه ..... مورد تائید

اعضاء کمیته پایان نامه، متشکل از استادان زیر، قرار گرفت:

دکتر عبدالعلی قوام

استاد راهنما:

امضاء:

دکتر معصوم زاده کبابی

استاد مشاور:

امضاء:

دکتر محمد رضا تاجیک

استاد ناظر:

امضاء:

مهر

مطالب ارائه شده در این پایان نامه توسط اینجانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله زمانی اردیبهشت ۷۵ تا اسفند ۷۶ به انجام رسیده است، به استثناء کمک‌های مورد اشاره در سپاسگزاری، محتوای این پایان نامه بطور کامل توسط خود اینجانب صورت گرفته است. این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرکی به این دانشگاه یا دیگر دانشگاهها ارائه نشده است.

  
شهر روز ابراهیم

اسفند ماه ۱۳۷۶

## سپاسگزاری

در تکمیل این پایان‌نامه از کمک‌ها و راهنمایی‌های بی‌دریغ بسیاری از اساتید و هم‌دوره‌ای‌هایم بهره‌مند گردیده‌ام که بدون ذکر نام فرد آنها از این تلاشها و راهنمایی‌ها کمال تشکر را دارم.

در این میان از زحمات اساتید محترم جناب آقای دکتر عبدالعلی قوام به عنوان استاد راهنما و جناب آقای دکتر معصوم‌زاده کیایی به عنوان استاد مشاور که از پیشنهادات و نظرات ایشان بهره‌مند بوده‌ام، سپاسگزاری می‌نمایم.

نام خانوادگی: ابراهیمی  
نام: شهروز  
دانشکده: اقتصاد و علوم سیاسی  
رشته تحصیلی و گرایش: روابط بین الملل  
نام استاد راهنما: دکتر عبدالعلی قوام  
تاریخ فراغت از تحصیل: اسفند ماه ۱۳۷۶  
عنوان پایان نامه: تحدید حاکمیت ملی دولتها با مداخله گرایی سازمان ملل متحد: بعد از جنگ سرد

### چکیده

موضوع حاکمیت ملی برای دولتها از آنچنان اهمیتی برخوردار است که معمولاً دولتها نسبت به حفظ آن حساسیت ویژه‌ای نشان می‌دهند. این امر مخصوصاً برای کشورهای جنوب و به اصطلاح جهان سومی که بیش از چند دهه از استقلال و کسب حاکمیتشان نمی‌گذرد، اهمیت فراوانی دارد.

بررسی حاضر ضمن ارائه مفاهیم حاکمیت، چگونگی تحدید حاکمیت ملی دولت‌ها را بعد از جنگ سرد بوسیله مداخله گرایی سازمان ملل مورد شرح و بسط قرار می‌دهد. بطور کلی بر اساس یک رهیافت سیاسی و روش توصیفی - توضیحی پدیده حاکمیت را در درون سه نظم - نظم امپراطوری تمرکزگرا (قرون باستان و وسطی)، نظم تمرکزگرایز و ستفالیانیا (از ۱۶۴۸ تا ۱۹۹۰) و نظم در حال شکل‌گیری (از ۱۹۹۰ به بعد) مورد مطالعه قرار می‌دهد که تمرکز ویژه آن مربوط به نظم آخری می‌باشد. این بررسی سیر تاریخی روشن می‌کند که تحدید حاکمیت یک خط مستقیمی را طی نموده، بطوریکه بتدریج حاکمیت مورد تحدید واقع شده و موجهای تحدید حاکمیت موجهای برگشت مخالف را در خود مستحیل ساخته است.

این مطالعه همچنین نشان می‌دهد که موج سوم تحدید حاکمیت یعنی از خاتمه جنگ سرد به بعد نسبت به موجهای قبل گسترده بوده و سازمان ملل متحد بعد از ۴۵ سال از فشار و محدودیت‌های جنگ سرد و رقابت دو ابرقدرت خارج شده و وظایف و اختیارات خود را توسعه بخشیده است. این توسعه وظایف و اختیارات بر اساس تفسیر موسّع از منشور ملل متحد که با اوضاع فعلی روابط بین‌المللی منطبق بوده باشد، صلاحیت ملی دولت‌ها را به نفع صلاحیت بین‌المللی تنگ‌تر کرده و سیستم‌های نظارتی و مکانیسم‌های مداخله‌گرایانه سازمان ملل را موثر و افزایش نموده است. نتیجتاً ارزش‌های بین‌المللی فشار بیشتری را به ارزشهای ملی نسبت به سابق تحمیل می‌نمایند.

۱۳۷۸ / ۲ / ۲۷

تقدیم به مادر که مرا مهد هنر بود  
تقدیم پدر را که دلم بهر هنر سوخت

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
	مقدمه :
۳	طرح تحقیقاتی موضوع
۹	فصل اول : بررسی تحلیلی نظام بین الملل بعد از جنگ سرد
۱۰	دیدگاه رئالیسم
۱۳	نقد دیدگاه رئالیسم
۱۶	دیدگاه ایده آلیسم
۱۹	نقد دیدگاه ایده آلیسم
۲۳	دیدگاه جدید : ثنویت تفکر همگرایی و واگرایی
۳۱	منابع و یادداشتهای فصل اول
۳۴	فصل دوم : بحث نظری پیرامون حاکمیت و مداخله
۳۵	حاکمیت از نظم تمرکزگرا تا رنسانس
۳۹	حاکمیت در نظم تمرکزگرایز و ستفالییا
۴۳	مداخله
۴۳	تعریف مداخله
۴۴	مداخله و حاکمیت
۴۷	مداخله بین المللی
۵۳	نتیجه گیری موضوعی
۵۶	منابع و یادداشتهای فصل دوم

صفحه	عنوان
۵۹	فصل سوم: عوامل تحدیدکننده حاکمیت دولتها
۶۰	۱- مداخلات یکجانبه
۶۳	۲- حقوق بین الملل
۶۶	۳- نابرابری دولت ها
۶۸	۴- فروپاشی و جنگ داخلی
۷۱	نتیجه گیری موضوعی
۷۲	منابع و یادداشتهای فصل سوم
۷۴	فصل چهارم: عوامل تحدیدکننده حاکمیت دولتها در دوره جنگ سرد
۷۵	سازمان ملل متحد
۸۰	تقابل دو ابرقدرت و تحدید حاکمیت درون بلوکی
۸۶	مداخله بشردوستانه یکجانبه
۹۰	نتیجه گیری موضوعی
۹۱	منابع و یادداشتهای فصل چهارم
۹۳	فصل پنجم: تحدید حاکمیت دولتها بعد از جنگ سرد
۹۴	هماهنگی در شورای امنیت
۹۶	تفسیر موسع از منشور ملل متحد در ارتباط با صلح و امنیت بین المللی
۱۰۱	توسعه نقش نیروهای حافظ صلح
۱۰۳	عملیات حفظ صلح
۱۰۶	نیروهای پیشگیرانه
۱۰۸	صلح سازی بعد از مخاصمات مسلحانه
۱۱۱	تشکیل دادگاه بین المللی



صفحه	عنوان
۱۱۳	همسویی دو سازمان منطقه‌ای و سازمان ملل
۱۱۶	توسعه حقوق بین‌الملل و مداخله‌گرایی سازمان ملل متحد
۱۱۶	حقوق بشر و مداخله سازمان ملل متحد
۱۲۱	کنترل تسلیحات و مداخله سازمان ملل متحد
۱۲۹	محیط زیست و مداخله سازمان ملل متحد
۱۳۶	تحدید حاکمیت در خارج از چارچوب سازمان ملل متحد
۱۳۶	توسعه ارتباطات و وابستگی متقابل
۱۴۱	همگرایی
۱۴۴	نتیجه‌گیری موضوعی
۱۴۶	منابع و یادداشتهای فصل پنجم
۱۵۲	فصل ششم: آثار تحدید حاکمیت توسط سازمان ملل در موقعیت دولتها
۱۵۲	کاهش اقتدار دولتها
۱۵۴	افزایش نقش فرد
۱۵۷	هراس حکومت‌های نامشروع از موقعیت خود
۱۵۹	تقسیم جهان به دوگروه موافق و مخالف زیاده‌طلبی‌های سازمان ملل
۱۶۲	منابع فصل ششم
۱۶۳	نتیجه‌گیری
۱۶۷	فهرست منابع

## بیشگفتار

«با گسترش مداخله‌گرایی سازمان ملل بعد از جنگ سرد متعاقب فروپاشی نظام دوقطبی، حاکمیت ملی هرچه بیشتر تحت فشار قرار گرفته است. سازمان ملل تفسیر موسع از منشور ملل متحد ارائه داده و منابع غیرنظامی و صلح داخلی را نیز در قلمرو صلح و امنیت بین‌المللی قرار داده است». این فرضیه‌ای است که راهنمای ما در این تحقیق بوده است. در پرتو این تفسیر موسع و عوامل دیگر تحدید حاکمیت در بیرون از چارچوب سازمان ملل، دولت ملی حصار رسوخ ناپذیر خود را از دست داده است. ماهرچه بیشتر بطرف وابستگی متقابل و جهان شمولی حرکت می‌کنیم، ارزشهای جامعه بین‌المللی بر ارزشهای ملی غالب آمده، فرد تابعیت مضاعف (تابعیت جهانی) پیدا کرده و قدرت فرد در مقابل قدرت حاکمیت دولت روبه فزونی می‌نهد.

آنچه مرا به انجام این تحقیق هدایت نمود، در اصل علاقه به موضوع بوده و سپس جدید بودن و نوآوری این بررسی است. بدین صورت که تحقیقاتی که در این مورد انجام شده بیشتر از زاویه حقوقی به این مسأله نگریسته‌اند در حالی که در این نوشتار ما از بعد سیاسی به مسأله نگاه کرده‌ایم. از طرفی دیگر در این ارتباط در متون فارسی بجز چندمقاله، ارتباط حاکمیت و مداخله بین‌المللی بطور سیستماتیک بررسی نشده است. باتوجه به مسایل نسبتاً جدید مطرح شده و اهمیت یافتن آنها بعد از جنگ سرد مثل حقوق بشر، محیط زیست و غیره بررسی در این زمینه توجه محققان را به خود جلب نموده و این روند مطالعه و بررسی هنوز در مراحل ابتدایی خود قرار دارد.

هدف این نوشتار صرفاً پرداختن به روند تاریخی مداخله از طریق سازمان ملل نیست، بلکه بطور توضیحی و تحلیلی نشان دادن علل و عواملی است که باعث شده ما به نام ارزشها و منافع جامعه بین‌المللی و به ضرر حاکمیت ملی دولتها بتدریج درحال به رسمیت شناختن مشروعیت مداخله از طریق این جامعه باشیم. البته طبیعی است که بحثی راجع به روند تاریخی حاکمیت و مداخله و نیز بررسی آن در دوره قبل از خاتمه

جنگ سرد خواهیم داشت.

در انجام این تحقیق از راهنمایی های جناب آقای دکتر قوام به عنوان استاد راهنما و نیز از جناب آقای دکتر معصوم زاده به عنوان استاد مشاور تشکر می نمایم. برخورد علمی آن دو استاد بزرگوار در طول کار تحقیق در پیشبرد این نگارش بسیار مؤثر بوده است. همینطور از مسئولین کتابخانه مرکزی دانشگاه شهید بهشتی، خانم صادقی و خانم فرزانه (مسئولین کتابخانه گروه اقتصاد و علوم سیاسی این دانشگاه) و مسئولین کتابخانه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران تقدیر به عمل می آورم. در نهایت از جناب آقای مقدم مسئول کتابخانه دفتر سازمان ملل متحد در ایران که در ارائه منابع صمیمانه مرا یاری نمودند کمال امتنان دارم.

امید است این تحقیق محققان و دانشجویان علوم سیاسی و روابط بین الملل را در مطالعات و بررسیهای خود پیرامون این موضوع یاری نماید.

# مقدمه

## طرح تحقیقاتی موضوع

### طرح مسأله

مسأله مداخله بین‌المللی و حاکمیت در عصر حاضر دو موضوعی هستند که ارتباط این دو با یکدیگر باید به روشنی مورد بررسی قرار گیرد، چراکه معمولاً این دو در تقابل هم قرار گرفته بطوریکه هر اندازه قلمرو مداخله بین‌المللی در امور داخلی کشورها وسیعتر می‌شود به همان درجه از قلمرو شمول حاکمیت ملی کاسته می‌شود و بالعکس.

حاکمیت پدیده‌ای است که ریشه آن - به مفهوم امروزی آن - به زمان تشکیل دولتهای سرزمینی مدرن برمی‌گردد، و در این ارتباط معاهده وستفالی (۱۶۴۸) که حاکمیت دولتها را به رسمیت شناخت نقطه عطفی در تاریخ محسوب می‌شود. آنچه مسلم است این است که حاکمیت مطلق نیست بلکه تابع محدودیت‌هایی است که غالباً ناشی از مسئولیتهایی است که دولتها هم در قبال مردمی که بر آنها حکومت می‌کنند و هم نسبت به دیگر دولتهای حاکم دارند. با ایجاد سازمان ملل، برطبق منشور ملل متحد محدودیتهایی بر حاکمیت سنتی دولتها ایجاد شد که اساساً از تعهد دولتها به عمل کردن مطابق با تعهدات و منشور ریشه می‌گرفت.

بحث اصلی ما در این تحقیق بررسی ارتباط تحدید حاکمیت دولت‌ها و مداخله سازمان ملل خواهد بود. با فروپاشی شوروی و کارآتر شدن سازمان ملل در برخورد با مسأله صلح و امنیت بین‌المللی (فعال شدن شورای امنیت) و نیز مطرح شدن مسایل جدید و مهم در جهان از جمله مسأله حقوق بشر، جنگهای داخلی در مناطق مختلف جهان، خطرات گسترش سلاح‌های هسته‌ای، مسأله محیط زیست و فروپاشی دولت‌ها و به هم وابسته‌تر شدن جهان بیش از پیش در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، حاکمیت دولت‌ها به‌طور جدی و مؤثر به چالش طلبیده شده است؛ از یک طرف شورای امنیت با تفسیر موسعی که از منشور به عمل آورده خود را مکلف به دخالت در امور داخلی دولت‌ها دانسته و از طرف دیگر دولت‌های کوچک و به اصطلاح جهان سوم سخت‌نگران تحدید حاکمیت خود و به تبع آن امنیت خود بوده و لذ بلوکی را در مقابل زیاده‌طلبی‌های سازمان ملل تشکیل داده‌اند. مبارزه این دو طیف حاکمیت و مداخله بین‌المللی قطعی بوده و سرنوشت جامعه بین‌المللی را رقم خواهد زد. آنچه محتمل است این است که روند کنونی جامعه بین‌المللی به سود گسترش مداخله بین‌المللی در چارچوب سازمان ملل و به ضرر حاکمیت ملی دولت‌ها خواهد رفت.

## روش تحقیق

مهمترین سؤالی که در این تحقیق در پی پاسخ به آن خواهیم بود این است که گسترش مداخله سازمان ملل بعد از جنگ سرد چه تأثیری بر حاکمیت دولت‌ها گذاشته است؟ و سؤالات فرعی دیگر عبارتند از این که تغییرات سریع مرتبط با پایان جنگ سرد و تغییرات ژرف ناشی از افزایش پیوسته وابستگی متقابل دولت‌ها، آیا موجبات جابجایی نقطه توازن بین حاکمیت و قدرت دولت‌ها از یکسو و حقوق و قدرت جامعه بین‌المللی از سوی دیگر را فراهم نساخته است؟ و نیز این که آیا ما به نام ارزشها و مقررات و منافع جامعه بین‌المللی در حال به رسمیت شناختن یک حق مشروع مداخله در امور داخلی

دولتهای عضو این جامعه نیستیم؟ مهمترین مفروض این تحقیق این است که مداخله سازمان ملل بعد از جنگ سرد افزایش یافته است و این امر حاکمیت دولت‌ها را هرچه بیشتر تحت فشار قرار داده است. فرضیه مورد بررسی در این تحقیق به قرار ذیل است:

«با پیچیده‌تر شدن جهان در طی دهه حاضر در ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و وابستگی متقابل دولت‌ها به یکدیگر، مسایل و موضوعات جدیدی نیز در سطح نظام بین‌المللی خودنمایی کرده است که از جمله این مسایل حقوق بشر، محیط‌زیست، تسلیحات کشتار جمعی و هسته‌ای، جنگ‌های درون مرزی و برون مرزی، دولت‌سازی<sup>(۱)</sup> و ملت‌سازی<sup>(۲)</sup> است. برای مواجهه با این موضوعات نیاز به گسترش مداخله سازمان ملل است. با افزایش مداخله بین‌الملل در چهارچوب سازمان ملل، حاکمیت دولت‌ها هرچه بیشتر فرسایش یافته و با ادامه این روند، انتظار می‌رود که حاکمیت تا اندازه زیادی مفهوم عملی و سنتی خود را از دست بدهد.»

در این تحقیق سعی بر آن خواهیم داشت که با یک رهیافت سیاسی و دید تحلیلی به سؤال اصلی پاسخ داده و فرضیه تحقیق را مورد آزمون قرار دهیم. در پاسخ به سؤال اصلی و تهیه متن تحقیق از منابع فارسی و انگلیسی به قدر لازم بهره جسته‌ایم. در این تحقیق علاوه بر بررسی مداخله سازمان ملل بعد از جنگ سرد، بطور مفصل دوره قبل از خاتمه جنگ سرد را هم مورد بررسی قرار خواهیم داد؛ نیز در یک دید تحلیلی حاکمیت را از زمان قبل از رنسانس، رنسانس و تا عصر حاضر در ارتباط با مداخله بطور مختصر مورد مطالعه قرار خواهیم داد. چه در بررسی دوره جنگ سرد و چه بعد از آن، برای روشن شدن بحث اصلی و نیز به این علت که عوامل مختلف در تحدید حاکمیت ملی در ارتباط متقابل بوده و هیچ یک را نمی‌توان جدای از هم مورد مطالعه قرارداد، سعی بر آن داشته‌ایم که عوامل موثر غیر از عامل سازمان ملل را هم که در تحدید حاکمیت ملی تأثیر داشته‌اند، بررسی کنیم. ولی چون بحث ما در مورد مداخله سازمان ملل است این عوامل بیرونی را

مؤخر از عامل مداخله‌گرایی سازمان ملل آورده‌ایم. ناگفته نماند که این بررسی به مداخله سازمان ملل در ارتباط با صلح و امنیت بین‌المللی پرداخته است، لذا به نقش شورای امنیت که تنها رکن حافظ صلح و امنیت بین‌المللی و ضامن اجرای مصوبات سازمان ملل است و در حد کمتر به مجمع عمومی که نقش فرعی را در این رابطه برعهده دارد، پرداخته شده است.

### سازماندهی تحقیق

این تحقیق به یک مقدمه، شش فصل و یک نتیجه‌گیری در پایان تقسیم شده است. در مقدمه طرح موضوع، سؤال اصلی، سؤالات فرعی، مفروض، فرضیه و منابع تحقیق را بیان نموده‌ایم. در فصل اول به بررسی تحلیلی نظام بین‌الملل بعد از جنگ سرد پرداخته‌ایم. ابتدا دو دیدگاه سنتی مسلط بر روابط بین‌الملل یعنی دیدگاه رئالیسم و دیدگاه ایده‌آلیسم را در ارتباط با بحث آنها پیرامون حاکمیت و دولت - ملت شرح داده و به نقد آنها پرداخته‌ایم. گفتیم که رویدادهای حادث بعد از جنگ سرد نه با دیدگاه رئالیسم تطابق دارد و نه با دیدگاه ایده‌آلیسم. سپس دیدگاه جدید یعنی «ثنویت تفکرهمگرایی و واگرایی» را آورده‌ام که تا حدودی می‌تواند هم‌نقص دو دیدگاه قبلی را برطرف نموده و هم می‌تواند از عهده تحلیل حوادث معاصر برآمده و سمت‌گیری آن را نشان دهد.

در فصل دوم، تحت عنوان بررسی نظری پیرامون حاکمیت و مداخله، به تفصیل به بحث حاکمیت و مطالعه آن در روابط بین‌المللی از زمان نظم<sup>(۱)</sup> امپراطوری تمرکزگرا تا دوره رنسانس و از نظر تمرکزگرایز و ستفالیبا تا عصر حاضر که نظم دیگری در حال شکل‌گیری است پرداخته‌ایم. بطور تحلیل گفته‌ایم که چگونه حاکمیت در دوره باستان و قرون وسطی از بالا آمده و کل وجود فرد را تحت سیطره خود می‌گرفت و در نظام سیاسی متکی بر تجربه‌ناپذیری سنت افلاطونی فرد قربانی قدرت دولت بوده و حاکمیت مطلق